

بررسی تطبیقی مدح اهل بیت علیهم السلام در اشعار امام شافعی و عطار نیشابوری

نصرت دهانی

دانشجوی کارشناسی ارشد ادبیات عرب، دانشگاه سیستان و بلوچستان، دانشکده ادبیات، گروه زبان و ادبیات عربی، زاهدان، ایران.

رضا رضایی

دانشیار گروه زبان و ادبیات عربی، دانشکده ادبیات، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.

چکیده

اظهار محبت با اهل بیت یکی از صفات ایمان است که در قالب مدح و تعریف در کلام بسیاری از عارفان و شاعران زبان عربی و فارسی به کثرت یافت می‌شود. از جمله شخصیت‌های به نام که در این وادی به خوبی قدم نهاده‌اند؛ امام شافعی و عطار نیشابوری هستند که در قالب اشعار و سروده‌های جامع و پرمحتوایی به بیان اوصاف و جایگاه اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان امت اسلام پرداخته‌اند در این مقاله سعی شده است تا بعد از بیان مختصری از زندگینامه امام شافعی و شیخ عطار نیشابوری ضمن پرداختن به برخی از این اشعار و سروده‌ها با هدف دنبال نمودن ادبیات تطبیقی در کلام این دو شخصیت بزرگوار به بیان شباهت‌ها و تفاوت‌های موجود در اشعار آن دو پرداخته شود.

واژگان کلیدی: مدح اهل بیت علیهم السلام، ادبیات تطبیقی، امام شافعی، عطار نیشابوری.

مقدمه

اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم همواره مورد محبت و تکریم امت اسلامی قرار گرفته‌اند تا جایی که اندیشمندان و شاعران اسلامی در سروده‌های خود نسبت به آنان اظهار محبت و علاقه کرده‌اند و همه مذاهب اسلامی ذکر و یاد اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را برای خود افتخار و موجب اجر و پاداش می‌دانند.

از جمله کسانی که علاقه و محبت خود را با اهل بیت در سروده‌های خود اظهار داشته‌اند امام شافعی رحمه الله سومین امام مکتب فقهی اهل سنت در قرن دوم و سوم هجری می‌باشد که در سروده‌های خود به بیان جایگاه منزلت و منقبت اهل بیت پرداخته است و نجات اخروی را در محبت با اهل بیت می‌داند.

و عطار نیشابوری نیز شاعر نامدار و عارف بزرگ دیگری است که در قرن دوم و سوم هجری در سروده‌های خویش به بیان فضایل و اظهار محبت به اهل بیت پرداخته است.

چنانکه مشاهده گردید با توجه و عنایت به اینکه تاکنون در آثار و سروده‌های امام شافعی و عطار نیشابوری به صورت تطبیقی تحقیقی پیرامون اهل بیت صورت نگرفته است و از طرفی دیگر با توجه به نیاز مبرم شناخت عموم نسبت به جایگاه اهل بیت در کلام شعرا و محققان سعی شده است که این نیاز رفع شود و یا به حداقل برسد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر براساس مکتب آمریکایی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است، چرا که مکتب تطبیقی آمریکا، ادبیات تطبیقی را پژوهشی بین رشته‌ها می‌داند که به مقایسه‌ی ادبی ملت‌ها با یکدیگر و بررسی رابطه‌ی ادبیات با سایر رشته‌های علوم انسانی و هنر می‌پردازد.

پیشینه تحقیق

درباره جایگاه اهل بیت و اظهار محبت با آنان، دانشمندان با قلم و شاعران با سروده‌های خویش به تبیین آن پرداخته‌اند، که در این راستا امام شافعی و نیز عطار نیشابوری در سروده‌های خود به مدح و تعریف اهل بیت و اظهار محبت به آنان پرداخته‌اند.

که در این مورد کتاب‌ها و مقالات متعددی نوشته شده است که به مهمترین آنها می‌توان اشاره کرد.

از جمله: سید فضل الله میر قادری در مقاله «اهل بیت علیهم السلام در اشعار امام شافعی» (۱۳۸۴) که در آن به زندگی امام شافعی در شعر عربی و مصادر دیوان و موضوعات شرعی اش در باره اهل بیت با مصادر اصلی در ترجمه فارسی و گاهی توضیح و نقد نظر تحلیلی پرداخته است.

همچنین جواد غلام علی زاده در مقاله «اهل بیت علیهم السلام فی اشعار الامام الشافعی» (۱۴۳۲هـ.ق، که در آن به تبیین جایگاه اهل بیت در اشعار امام شافعی و سبک بیان ایشان پرداخته است.

و نیز حسن مجیدی و سکینه صارم گروی در مقاله «بررسی تطبیقی اشعار عطار نیشابوری و ابن ابی الحدید» (۱۳۹۲) به تطبیق مشترکات و تفاوت‌های اشعار ابن ابی الحدید و عطار، درباره مقام شامخ و مدح علی و فضائل او پرداخته‌اند.

از جمله افراد دیگری، ناصر قاسمی روزه و لیلی مسلمی در مقاله «بررسی تطبیقی مدح اهل بیت در سروده های کمیت اسدی و عطار نیشابوری» (۱۴۰۱)، با روش مقایسه ای و با تکیه بر مکتب تطبیقی آمریکایی به این مضامین مشترک پرداخته اند. با توجه به نیاز موضوع می طلبید که درباره اهل بیت در اشعار امام شافعی و عطار نیشابوری به صورت تطبیقی کار شود که در این جستار به تحقیق و بررسی تطبیقی مدح اهل بیت در اشعار امام شافعی و عطار نیشابوری پرداخته شده است.

زندگی نامه امام شافعی

محمد بن ادريس شافعی مشهور به امام شافعی سومین امام مکتب فقهی از فقها اربعه اهل سنت است شافعی طبق قول مشهور در سال یکصد و پنجاه هجری در غزه از فلسطین به دنیا آمد اما طبق قولی دیگر ایشان در عسقلان که سه فرسخ با غزه فاصله دارد به دنیا آمد. آورده اند در شبی که ایشان به دنیا آمد، امام ابو حنیفه رحمه الله دارفانی را وداع گفت. که این تصادف شگفت انگیزی است که با وفات امام، امام دیگری به دنیا بیاید (شرباصی، ۱۳۸۶). نسب ایشان: ابوعبدالله محمد بن ادريس بن العباس بن عثمان بن شافع بن السائب عربی قریشی، مطلبی است سلسله نسب در عبد مناف به پیام اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می رسد. مادر ایشان یمنی و از قبیله اُزد است. (أبو زهره، ۱۳۹۵)

محمد بن ادريس در سن دو سالگی پدرش را از دست داد، و مادرش او را به مکه برد تا میان قومش بنی مطلب که قریشی بود، رشد و نمو یابد، چنانکه در این مدت قرآن کریم و سپس «موطا» را حفظ نمود.

یکی از ویژگیهای امام شافعی رحمه الله این است که برای یادگیری علم تنها به اساتید یک شهر اکتفا نکرد بلکه کشورهای اسلامی سفر کرد و از علماء و مشایخ آنها علم آموخته است و در حجاز با قبایل مهمی رفت و آمد داشت از جمله ربیعیه و مضر. از اساتید مشهور: در مدینه امام مالک رحمه الله و در عراق امام محمد ابن حسن رحمه الله و غیره بوده است. (ابراهیمی، ۱۴۷)

دیوان شعر امام شافعی رحمه الله

روی آوردن به شعر مشغله امام شافعی رحمه الله نبود و نیز توجهی زیاد به شاعری نداشت، بلکه بداهه در اوقات مختلف شعر می گفت. اگر چه نظر برخی این است که این دیوان از امام شافعی رحمه الله نیست، اما طبق قول صحیح این اشعار از خود امام شافعی رحمه الله است و اشعار ایشان مملو از حکمت، پند، نصیحت و عارفانه است و همانند بقیه شعرا بر مبنای هوا و هوس و غیره نیست و با محبتی که با اهل بیت داشته است در مورد آنها نیز سروده های دارد که در این مقاله به بررسی آنها پرداخته شده است.

مقام علمی امام شافعی رحمه الله

برخی از علماء گفته اند: «کان إمام شافعی رحمه الله أشبه بدائرة معارف عصره» یعنی امام شافعی شبیه دائرة المعارف در عصر خویش هستند. و برخی دیگر گفته اند: «مخزن العلوم» منبع علوم هستند. و برخی دیگر گفته اند: «کان مجموعة العلماء فی رجل» مجموعه ای از علما در یک فرد است. (کاپودروی، ۱۴۲۵)

امام شافعی تصنیفات مهمی دیگر دارد، از جمله: الام، الرسالة، دیوانه امام شافعی رحمه الله و... .

ایشان در ۲۹ رجب ۲۰۴ در شب جمعه دار فانی را وداع کرد (أبو زهره، ۲۰۰۹).

زندگی نامه عطار نیشابوری

فرید الدین ابو حامد محمد عطار نیشابوری مشهور به شیخ عطار نیشابوری یکی از عارفان و صوفیان و شاعران بنام ایرانی بود که در قرن ششم و آغاز قرن هفتم هجری می زیسته است. و در سال ۵۴۰ ه.ق. در نیشابور متولد شد. عطار یکی از عارفان و شاعران پر آوازه ادبیات فارسی و از نام آوران پر افتخار ملت ایران است.

عطار دارو سازی و دارو شناسی را از پدرش آموخت و در کنار آن به کار طبابت هم پرداخت به همین دلیل به او عطار هم می گفتند. چون عطار به کسی می گفتند که دارو فروشی و طبابت را هم زمان با هم انجام دهد. وی بعد از مدتی به دلیل اتفاقی که در زندگی ایشان رخ داد تغییر مسیر داد و به عرفان روی آورد. در روایت آمده که یک روز شیخ عطار در مغازه خود مشغول به کار بود که درویشی به مغازه آمد و از او چیزی برای رضای خدا از او طلب می کند و درویش خواسته خود را چند بار تکرار می کند، اما عطار به آن توجه نمی کند و در آخر درویش از عطار می پرسد تو چگونه از دنیا خواهی رفت؟ عطار می گوید: همانطور که تو از دنیا خواهی رفت. درویش می گوید: آیا تو می توانی مثل من بمیری؟ عطار جواب می دهد: بله. درویش زمانی که جواب عطار را می شنود بلا فاصله دراز می کشد و کاسه ی چوبی که در دست داشت را زیر سر می گذارد و می میرد.

عطار با مشاهده این منظره دگرگون می شود و مسیر زندگی اش را تغییر می دهد و به عرفان روی می آورد. شیخ عطار بعد از این ماجرا برای کسب علم و دانش به هند، عراق، شام، مصر و مکه سفر کرد و حج خود را هم بجا آورد سپس به شهر خود نیشابور بازگشت و باقی عمر را در آنجا گذراند. سرانجام شیخ عطار در سال ۶۱۸ ه.ق. بدست سربازان مغول در نزدیکی شهر به شهادت رسید و پیش از مرگ خود با خون خود بر روی دیوار، این رباعی را نوشت:

در کوی تو رسم سرفرازی این است مستان تو را کمینه بازی این است

با این همه رتبه هیچ نتوانم گفت شاید که تو راغ بنده نوازی این است

مضامین مشترک اشعار امام شافعی و عطار

مدح رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم

عطار قصیده مدحیه ی خود را معمولا پس از ذکر حمد و ستایش پروردگار جهانیان آغاز می کند و سپس فضایل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را مدح می کند. عطار در مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از تشبیه و استعاره استفاده کرده است.

عطار با سرودن ابیات زیر به برتری پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر سایر پیامبران با بیانی زیبا و ساده اشاره می کند.

در پیش او غاشیه کش بود جبرئیل هم انبیاء پیاده دیده، هم اصفیاء

از انبیاء چو مشغله ی طرخوا نجات در عرش او فتاد از آن طرخوا، ندا

موسی زبیرقاری خود در بساط قرب خود را فکند بر در او پیش از عصا (نیشابوری، ۱۳۹۵).

و نیز در «منطق الطیر» این برتری را با بیانی دیگر اشاره می‌کند:

شفاعت رسول خدا و آل او:

هر دو عالم بسته فتراک او عرش و کرسی قبله کرده خاک او

پیشوای این جهان و آن جهان مقتدای آشکار و نهان

مهم ترین و بهترین انبیاء راهنمای اصفیاء و اولیاء (نیشابوری، ۱۳۵۶).

امام شافعی آل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را وسیله و ذریعه رسیدن به رسول خدا و راه نجات اخروی در فردای قیامت می‌داند و اینکه امید است که به خاطر آنها کارنامه اعمالش به دست راست وی داده شود.

أَلُ النَّبِيِّ ذَرِيعَتِي وَهُمْ إِلَيَّ وَسِيلَتِي

أَرْجُو بِهِمْ أُعْطِيَ غَدًا بِيَدِي الْيَمِينِ صَحِيفَتِي

ترجمه: آل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ذریعه و وسیله رسیدن من به آنحضرت صلی الله علیه و آله و سلم هستند. فردای قیامت امیدوارم که به خاطر آنها کارنامه‌ام به دست راستم داده شود (الشافعی، ۳۴).

نیز با سرودن اشعاری از حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در خواست شفاعت می‌کند و پاداش اظهار ادب و ارادت خود را شفاعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند.

و چنین می‌سراید:

روز و شب بنشسته در صد ماتمم تا شفاعت خواه باشی یک دم

از درت گر یک شفاعت در رسد معصیت را مهر طاعت در رسد

ای شفاعت خواه مشتی تیره روز لطف کن شمع شفاعت بر فروز (نیشابوری، ۱۳۵۶).

عطار در ابیاتش درمان دردهای دنیایی و نجات از مصیبت‌های دنیایی را نظر و التفات رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌داند و چنین از دردهای زمانه می‌نالد و درمان این دردها را ذات اقدس او می‌داند و از او چاره خواهی می‌کند:

یا رسول الله بس درمانده‌ام باد در کف، خاک بر سر مانده‌ام

بی کسان را کس تویی در هر نفس من ندارم در دو عالم جز تو کس

یک نظر سوی من غمخواره کن چاره ی کار من بیچاره کن (نیشابوری، ۱۳۵۶).

شیخ عطار در مدح رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نسبت به امام شافعی ید طولایی داشته‌اند. در «هیلاج نامه» این شاعر پارسی گوی بعد از ثنای خالق کون و مکان به ثنای خاتم پیغمبران پرداخته است و خلقت این جهان را به طفیل خلقت آن نبی پاک می‌داند، و او را نور شرع و تکمیل کننده دین الله تعالی می‌داند. و این فضل او را نسبت به تمام مخلوقات عالم در واقعه‌ی شب معراج مدح می‌کند که با حق تعالی مستقیماً راز گفته‌اند و حتی مقام او و قرب او بسیار جلوتر از مقرب‌ترین فرشتگان بود.

و مدح او در غمگساری اشعار عطار به زبانی ساده و شیوا قابل درک است، که آنحضرت در شب معراج که شب ملاقات او با پروردگارش بود در آنجا در حق دنیا و آخرت امت خود شفاعت می‌کند. در اینجا به چندی از اشعار ایشان در این خصوص اشاره می‌شود:

ز بعد خالق کون و مکان را	ثنا بر خاتم پیغمبران را
حقیقت صدر بود از آفرینش	که او آمد حقیقت نور بینش
محمد آنکه نور شرع بنمود	در اینجا عین اصل و فرع بنمود
ندیده انبیا این عزت و ناز	که از حق یافت اینجا آن سرافراز
سرافراز دو عالم اوست اینجا	شب معراج با حق گفته او راز
برفته سوی او کل آمده باز	بسوی ذات خویشش راه بخشید
مر او را عز و قرب و جاه بخشید بسوی ذات خویشش راه بخشید	

مر او را عز و قرب و جاه بخشید نیابد هیچکس چون او دگر عز (نیشابوری، ۳۹۹۲).

مدح و محبت حضرت علی

امام شافعی محبت ویژه‌ای نسبت به اهل بیت دارند و اینکه سلسله نسب مبارک ایشان به اهل بیت علیهم السلام می‌رسد و این محبت را بیشتر در خود نشان می‌دهد، وی در اشعارش نام حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام و حسنین علیهما السلام را ذکر می‌کند و می‌گوید: از مردمی که رافضی بودن را فقط در محبت فرزندان حضرت فاطمه می‌دانند بیزارم، و چنین می‌سراید:

إِذَا فِي مَجْلِسٍ نَذْكُرُ عَلِيًّا	وَسِبْطِيهِ وَفَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ
يُقَالُ تَجَاوَزُوا يَا قَوْمُ هَذَا	فَهَذَا مِنْ حَدِيثِ الرَّافِضِيَّةِ
بَرِئْتُ مِنَ الْمُهْمِيْمِيْنَ مِنْ أَنَاسٍ	يَرَوْنَ الرَّفْضَ حُبَّ الْفَاطِمِيَّةِ

ترجمه: هنگامی که در مجلسی از علی و فاطمه‌ی مقدس و حسن و حسین یاد می‌کنم، گفته می‌شود: ای قوم! از این سخنان در گذرید که این‌ها سخنان روافض‌اند. پناه می‌برم به خدای مهیمن از مردمی که رافضی بودن را فقط در محبت با فرزندان فاطمه می‌دانند (الشافعی، ۹۰).

امام شافعی در جایی دیگر محبت حضرت علی علیه السلام را هر چند که او را رافضی بنامند و در کنار آن، محبت ابوبکر را هر چند که او را ناصبی بنامند تا پایان زندگی اعلام می‌دارد. و اینگونه ندا می‌دهد:

إِذَا نَحْنُ فَضَّلْنَا عَلِيًّا فَإِنَّا رَوَافِضٌ بِالتَّفْضِيلِ عِنْدَ ذَوِي الْجَهْلِ
وَفَضَّلُ أَبِي بَكْرٍ إِذَا مَا ذَكَرْتُهُ رُمِيتُ بِنَصْبٍ عِنْدَ ذِكْرِي لِلْفَضْلِ
فَلَا زِلْتُ ذَا رِفْضٍ وَنَصْبٍ كِلَاهُمَا بِحُبِّهِمَا حَتَّى ۖ أَوْسَدَ فِي الْقَبْرِ

ترجمه: هنگامی که ما علی را ترجیح می‌دهیم، نادانان ما را رافضی به حساب می‌آورند و هنگامی که فضیلت ابوبکر را بیان می‌داریم، متهم به ناصبی بودن می‌شویم. من با محبت ابوبکر و علی همیشه ناصبی و رافضی خواهم ماند تا این که سر بر بالین خاک بگذارم (الشافعی، ۶۶).

امام همام اهل سنت در جایی دیگر از حضرت علی علیه السلام به نام ولی و امام و هادی یاد می‌کند، و چنین نغمه سرایی می‌کند:

قَالُوا تَرَفَضْتَ قُلْتَ كَلَّا مَا الرِّفْضُ دِينِي وَلَا إِعْتِقَادِي
لَكِنْ تَوَلَّيْتُ غَيْرَ شَكٍّ خَيْرَ إِمَامٍ وَخَيْرَ هَادِي
إِنْ كَانَ حُبُّ الْوَلِيِّ رِفْضًا فَإِنَّ رِفْضِي إِلَى الْعِبَادِ

ترجمه: به من گفتند رافضی شده‌ای؟ گفتم: رافضیت نه دین من است و نه اعتقاد من؛ اما بدون شک، من دوستی بهترین امام و هادی را برگزیدم، لذا اگر محبت با ولی رافض باشد، پس این رافض من برای بندگان است (الشافعی، ۴۵).

عطار هم با زبان شیوای خود در مورد جایگاه حضرت علی علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم همانند جایگاه حضرت هارون علیه السلام نسبت به حضرت موسی علیه السلام اشاره دارد، همانطور که حضرت موسی علیه السلام هارون علیه السلام را سرپرست قوم قرار داد و موسی و هارون علیهما السلام دو برادر بودند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت علی علیه السلام برادر بودند و این تلمیحی است از ماجرای عقد اخوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با حضرت علی علیه السلام در زمان هجرت از مکه به مدینه، و در ادامه همین ابیاتش عبارت «وال من والاه» را در شان حضرت علی علیه السلام را یاد آور می‌شود که اشاره دارد به حدیث غدیر خم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در حجة الوداع خطاب به حاجیان گفت:

چون نبی موسی علی هارون بود گر برادرشان نگوئی چون بود

هر دو هم لحم و هم دم آمده موسی و هارون همدم آمده

او چو قلب آل یاسین آمدست قلب قران یا و سین زین آمدست

قلب قرآن قلب پر قرآن اوست وال من والاه اندر شأن اوست (نیشابوری، ۱۳۸۶).

از تفاوت‌های بارز مدح اهل بیت در اشعار امام شافعی و عطار در این است که امام شافعی به بیان ویژگی‌های شخصی و تاریخی اهل بیت علیهم السلام اشاره‌ی چندانی ندارد و تمام تلاش ایشان کلی گویی‌های او در محبت اهل بیت بر اساس آیات و روایات است، اما عطار به مدح ویژگی‌های شخصی اهل بیت و چه بسا به وقایع تاریخی در مورد آنها می‌پردازد و گاه‌ها به آیات و روایات استناد می‌کند. چون بارزترین حرفه او زبان شعری اوست و او بیشتر شاعری است که تمام هم و غم ایشان شعر اوست، اما با این وجود امام شافعی همانطور که قبلاً ذکر شد، بارزترین شاخصه‌ی او فقهات است و تمام هم و غم ایشان غالباً در مسیر فقه بوده است. به همین علت ایشان در شعر بیشتر وارد جزئیات نمی‌شود و خاص به مدح یک شخصیت نمی‌پردازد. اما عطار در مدح حضرت علی علیه السلام و صفات او و نیز وقایع تاریخی او به زبان شعر می‌پردازد.

و در جایی از گذشت و مردانگی او در مقابل قاتلش می‌گوید. بنا به قول رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم تو را شقی‌ترین مردمان زمان به شهادت می‌رسانند همانطور که شتر خدا (ناقه الله) در زمان حضرت صالح علیه السلام توسط شقی‌ترین مردمان کشته شد. اما حضرت علی علیه السلام در زمان ضربت خوردن با گذشت و مهربانی با قاتل خود رفتار نمود.

چون علی فزت و رب الکعبه گفت ناقة الله شیر حق را بر گرفت

گر بحق میگوئی الحق بود خوش اشتر حق شیر حق را بارکش

اشتر حق کشته اشقی الاولین شیر حق را کشته اشقی الاخرین (نیشابوری، ۱۳۸۶).

شجاعت حضرت علی علیه السلام

عطار در جایی از اشعارش با توصیف شجاعت او در صحنه نبرد، وی را در شجاعت برترین صحابه معرفی می‌کند که دین با او رونق گرفته و با شجاعت و دلاوری خود در جنگ‌ها دین را حفظ نموده است، پهلوانی و شجاعت حضرت علی علیه السلام در شعر پارسی گوی به طرز زیبایی جلوه نمایی می‌کند، حضرت علی علیه السلام چنان قدرتمند است که آهن در دستان او همچون موم نرم است. اگر صد لشکر در مقابل او باشند او هرگز شکست نمی‌خورد، الفاظی که عطار در وصف شجاعت او بیان می‌کند حماسی است و او برای نزدیک کردن تصویر دلاوری و شجاعت حضرت علی علیه السلام به ذهن مخاطب به قهرمان حماسی رستم و زال ایرانیان اشاره می‌کند و در ادامه می‌گوید این دو قابل مقایسه نمی‌باشند، شجاعت علی علیه السلام کجا؟ و شجاعت رستم کجا؟ شجاعت حضرت علی علیه السلام را خداوند در نهاد او قرار داده و بهره آسمانی است در حالی که شجاعت رستم با زال زمینی است. و چنین می‌سراید:

رونقی کان دین پیغامبر گرفت از امیرمؤمنان حیدر گرفت

چون امیر نحل شیر فحل شد ز آهن او سنگ موم نحل شد

میر نحل از دست و جان خویش بود زانکه علمش نوش وتیغش نیش بود

گفت اگر در رویم آید صد سپاه کس نبیند پشت من در حرب گاه (نیشابوری، ۱۳۸۶).

روستم گر اهل و گر نااهل بود چون ز زالی یافت مردی سهل بود

مردی او از خدای لایزال وان رستم یا ز داستان یا ز زال (همان).

عطار در بیت دیگری برای هر یک از انبیاء الهی ویژگی‌هایی بیان می‌کند و حضرت علی علیه السلام را شجاع‌ترین فرد در دین می‌داند، گویا شجاعت یکی از ویژگی‌های پیامبران است، اما حضرت علی علیه السلام هر چند که پیامبر نیست، اما این ویژگی را به نحو احسن در خود پرورش داده است. و اینگونه سروده:

مصطفی گفته ست چون آدم به علم نوح فهم، آنگاه و ابراهیم حلم

یا ز یحیی زهد و موسی بطش کیست؟ گر نمی‌دانی شجاع دین علیست (نیشابوری، ۱۳۸۶).

حضرت علی دروازه علم

عطار در منطق الطیر و الهی نامه حضرت علی را دروازه علم الهی می‌داند که تلمیحی است به حدیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم که فرمود: «أنا مدينة العلم و علی بابها فمن أراد المدينة فليأتها من بابها» من شهر علمم و علی در آن است، هر کس قصد شهر را دارد، باید از دروازه آن وارد شود.

عطار به صورت ضمنی به این حدیث اشاره دارد، همانطور که بهشت درهایی دارد، دانش هم دارای درهایی است که هر کس بخواهد وارد شهر علم بشود و یا وارد بهشت شود باید از آن دروازه وارد شود که حضرت علی علیه السلام دوازه علم و بهشت است.

عطار با زبان شیرین و الفاظ رنگین به مخزن الاسرار و عالم بودن امیر مومنان اشاره می‌کند، گاهی با چاه صحبت می‌کند و گاهی مردم را فرا می‌خواند که این اسرار را بپرسید، قبل از اینکه مرا گم کنید (از میانتان بروم) او رازهای پوشیده غیب را در دل دارد، عطار نیز این موضوع را بیان زیبا و تلویحی اشاره کرده است، و چنین می‌گوید:

خواجه حق پیشوای راستین کان علم بحر و قطب حق (نیشابوری، ۱۳۸۶).

چنان در شهر دانش باب آمده که جنت را به حق بواب آمده (نیشابوری، ۱۳۸۸)

دم شیر خدا می‌رفت تا چین ز علمش ناف آهو گشت مشکین

از این گفتند مرد داد و دین شو ز یثرب علم جستن را به چین شو (همان)

مرتضای مجتبی جفت بتول خواجه‌ی معصوم داماد رسول

در بیان رهنمونی آمده صاحب اسرار سلونی آمده (نیشابوری، ۱۳۸۴)

حضرت علی علیه السلام فرموده است «سلونی قبل أن تفقدونی» از من بپرسید پیش از آنکه مرا از دست دهید. و در جایی دیگر عطار حضرت علی علیه السلام را قلب خاندان حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می‌کند و می‌گوید:

او چون قلب آل یاسین آمده ست / قلب قرآن یا و سین زین آمده ست (نیشابوری، ۱۳۸۶)

نماز بدون صلوات بر اهل بیت

امام شافعی در جای جای اشعارش به فضایل اهل بیت علیهم السلام اشاره دارد و به محبت آنان توسل جسته و می گوید: کسی که در نماز، بر اهل بیت صلوات نفرستد نمازش کامل نمی شود.

همچنین اعلام می کند که صرفاً اگر کسی به خاطر محبت اهل بیت شیعه باشد پس من هم شیعه هستم!

این امام بزرگ اهل سنت نه تنها محبت با حضرت علی علیه السلام را اظهار می دارد، بلکه محبت با ابوبکر، عمر و عثمان را نیز جزو لا ینفک عقیده ی خود می داند که تا آخر با او همراه است و همین است اعتقاد تمام اهل سنت و جماعت، اینک اشعار ایشان را در این باره می خوانیم:

وَأَنَّ أَبَا بَكْرٍ خَلِيفَةُ رَبِّهِ وَكَانَ أَبُو حَفْصٍ عَلَى الْخَيْرِ يَحْرِصُ

وَأَشْهَدُ أَنَّ عُثْمَانَ فَاضِلٌ وَأَنَّ عَلِيًّا فَضْلُهُ مُتَخَصِّصٌ

أُئِمَّةٌ قَوْمٌ يُهْتَدَى بِهِدَاهُ لِحَا اللَّهِ مِنْ إِيَّاهُمْ يَتَنَقَّصُ

ترجمه: گواهی می دهم که همانا ابوبکر جانشین پروردگارش، و عمر آزمند خیر و خوبی بوده است. و نیز گواهی می دهم که عثمان فردی فاضل و بزرگوار بود و فضیلت علی، ویژه می باشد. ایشان ائمه ی قومی هستند که به هدایتشان اقتدا می شود (ایمانشان معیار هدایت است)، خداوند لعنت کند هر که ایشان را طعنه زند. گمراهان را چه شده که از روی حماقت به دشنام دادن می پردازند و احمقان را چه شده که رو بر نمی تابند و دروغ پردازی می کنند (الشافعی، ۵۴).

گواه گرفتن جن و انس

امام شافعی خود را محب اهل بیت علیهم السلام می داند و از اعماق وجودش فریاد بر می آورد و جن و انس را بر این محبت گواه می گیرد حتی اگر نام این محبت رفض باشد و چنین آواز بر می آورد:

يَا رَاكِبًا قِفْ بِالْمُحْصَبِ وَاهْتَفْ بِقَاعِدِ خَيْفِهَا وَالنَّاهِضِ

سَحَرًا إِذَا فَاضَ الْحَجِيجُ إِلَى مِنِّي فَيُضَا كَمُلَتْطَمِ الْفَرَاتِ الْفَائِضِ

إِنْ كَانَ رِفْضًا حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ فَلْيَشْهَدْ الثَّقَلَانِ أَنِّي رَافِضِي

ای سواره! در وادی محصب توقف کن و در میان نشستگان و ایستادگان محله ی خیف - سحرگاهان که حجاج همانند تلاطم آب فرات به طرف منی^۱ روان اند - چنین فریاد بر آور که: اگر دوستی آل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفض نامیده می شود، پس انس و جن گواه باشند که من رافضی هستم (الشافعی، ۵۵).

وجوب محبت اهل بیت علیهم السلام

امام شافعی همانطور که نماز بدون صلوات بر اهل بیت را ناقص می‌داند، دوستی و محبت اهل بیت علیهم السلام را بنابر دستور که از جانب الله تعالی در قرآن آمده، واجب می‌داند و در همین ابیات هم می‌سراید که ای اهل بیت هر کس که بر شما درود نفرستد، نمازی نخواهد داشت.

و چنین ندا می‌دهد:

يَا آلَ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ حُبُّكُمْ فَرَضٌ مِنَ اللَّهِ فِي الْقُرْآنِ أَنْزَلَهُ
يَكْفِيكُمْ مِنْ عَظِيمٍ أَنْتُمْ مَنْ لَمْ يُصَلِّ عَلَيْكُمْ فَلَا صَلَاةَ لَهُ

ای خاندان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! محبت شما از جانب الله در قرآنی که فرو فرستاده است، واجب است. و همین برای عظمت شما کافی است که هر که بر شما درود نفرستد، نمازی نخواهد داشت (الشافعی، ۸۶).

امام حسین علیه السلام و واقعه کربلا

امام شافعی و عطار هر دو در اشعاری که در مورد واقعه کربلا و سوز و گداز از مصائب آنجا دارند و هر دو به نحوی دین خود را با سرودن اشعاری نسبت به واقعه کربلا و حماسه آفرین امام حسین علیه السلام ادا کرده‌اند. امام شافعی در این عرصه قلبی نالان و گرفته دارد و آنچه که بر سر حضرت حسین علیه السلام در کربلا واقع شده مصیبتی بس بزرگ می‌داند که آن را لرزه ای برای دنیا جلوه می‌دهد، تا جایی که بر اثر آن نزدیک بود کوه های سخت ذوب شوند و این واقعه ستارگان را خاموش کرد و سیارگان را لرزاند، واز داغ واقعه کربلا پرده‌هایی دریده شد و سینه‌های چاک شد، امام شافعی در شگفت است که پیامبری هاشمی که این قوم بر او صلوات می‌فرستند و از طرفی با فرزندان او به جنگ بر می‌خیزند و دوباره می‌گویند: اگر گناه من دوستی خاندان رسول خدا صلی الله علیه و سلم است، پس این گناهی است که هیچ وقت از این گناه توبه نخواهم کرد؛ چرا که روز سخت رستاخیز در صحرای محشر همین اهل بیت علیهم السلام شفیعان من خواهند بود.

تَأْوَهُ قَلْبِي وَالْفُؤَادُ كَثِيبٌ وَأَرْقَ نَوْمِي فَالْشَّهَادُ عَجِيبٌ

فَمَنْ مَبْلُغٍ عَنِّي الْحُسَيْنَ رِسَالَةً وَإِنْ كَرِهَتْهَا أَنْفُسٌ وَقُلُوبٌ

ذَبِيحٌ بَلَا جَرَمٍ كَانَ قَمِيصُهُ صَبِيغٌ بِمَاءِ الْأَرْجَوَانِ خَضِيبٌ

فَلِلْسَيْفِ أَغْوَالٍ وَلِلرَّمْحِ رَنَّةٌ وَلِلْخَيْلِ مِنْ بَعْدِ الصَّهِيلِ نَحِيبٌ

تَزَلْزَلَتْ الدُّنْيَا لِآلِ مُحَمَّدٍ وَكَادَتْ لَهُمْ صَمُّ الْجِبَالِ تَذُوبٌ

وَعَارَتْ نُجُومٌ وَأَفْشَعَرَتْ كَوَاكِبٌ وَهَيْتَكَ أَسْتَارٌ وَشَقَّ جُيُوبٌ

يُصَلِّي عَلَى الْمَبْعُوثِ مِنْ آلِ هَاشِمٍ وَيَغْزِي بَنُوهُ إِنَّ ذَا لَعَجِيبٌ

لَئِنْ كَانَ ذَنْبِي حُبُّ آلِ مُحَمَّدٍ فَذَلِكَ ذَنْبٌ لَسْتُ عَنْهُ أَتُوبُ

هُم شَفَعَائِي يَوْمَ حَشْرِي وَمَوْفِي إِذَا مَا بَدَتْ لِلنَّاطِرِينَ خُطُوبُ

ترجمه: قلبم نالان و دلم گرفته و بی‌خوابی عجیبی به سراغم آمده است؛ چه کسی نامه‌ی مرا به سوی حسین می‌برد، گرچه بعضی را از این کار خوش نیاید. بی‌گناه کشته شد؛ گویا پیراهنش را با آب ارغوانی رنگ داده بودند. شمشیر و صدای نیزه‌ها، مصیبت‌ها را در پی دارند و بعد از شنیدن شیبه‌ی اسب‌ها، نوبت شیون و زاری است. دنیا برای آل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به لرزه در آمد و نزدیک بود کوه‌های سخت هم ذوب شوند، ستارگان رو به افول گذاشتند و سیارگان به خود لرزیدند. پرده‌هایی دریده و سینه‌هایی چاک شد. شگفتا! بر پیامبری که از بنی هاشم مبعوث شده، صلوات می‌فرستد و با فرزندان او به جنگ برمی‌خیزد! اگر گناه من دوستی آل پیامبر صلی الله علیه و سلم است، پس این گناهی است که هرگز از آن توبه نخواهم کرد؛ چرا که آنان به هنگام ایستادن در صحرای سخت قیامت، شفعیان من خواهند بود (الشافعی، ۱۲۱-۱۲۴).

عطار هم در مصیبت نامه ابتدا صفحات امام حسین علی السلام را توصیف می‌کند، و می‌گوید او کسی است که مانند حیدر شجاع و سیرت و صورت مانند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امام حسن علیه السلام را دارد و سپس به واقعه عاشورا می‌پردازد و بیان می‌دارد که در کربلا کسی را شهید کردند که جگر گوشه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و نور دیده حضرت فاطمه الزهرا سلام الله علیها و نور چشم امام حسن علیه السلام است که در کمال بی‌رحمی تشنه سر بردند.

کیست حق را و پیامبر را ولی آن حسن سیرت حسین بن علی

آفتاب آسمان معرفت آن محمد صورت و حیدر صفت

قره‌العين امام مجتبی شاهد زهرا شهید کربلا

تشنه او را دشنه آغشته بخون نیم کشته گشته سرگشته بخون

با جگر گوشه پیامبر این کنند آنگی دعوی داد و دین کنند (نیشابوری، ۱۳۸۶).

محبت با فرزندان فاطمه سلام الله علیها

فرزندان حضرت فاطمه سلام الله علیها و حضرت علی همان سلاله پاک پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می‌باشند که سبب افتخار دین می‌باشند و انسان‌های زیادی نسب خود را به این بزرگواران می‌رسانند همانطور که الله تعالی در اولاد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم برکت و فروزی و علم و درایت نهاد شاعران با سرودن اشعاری در مدح آنان و با محبت آنان این برکات را در آثار خود وارد نمودند و امام شافعی با اعلان محبت و شیخ عطار با مدح این بزرگواران برکت و روشنی را به آثار خود بخشیدند، و امام شافعی چون در مجلسی از حضرت علی و دو فرزندش و همسر پاکش یاد می‌شد: یکی چهره درهم می‌کشید و می‌گفتند: سخن از آنان درست نیست این را رها کنید، زیرا این سخن رافضیان است، بلا درنگ امام شافعی می‌سراید:

إِذَا فِي مَجْلِسٍ نَذْكُرُ عَلِيًّا وَ سِبْطِيهِ وَ فَاطِمَةَ الزَّكِيَّةِ

يُقَالُ تَجَاوَزُوا يَا قَوْمَ هَذَا فَهَذَا مِنْ حَدِيثِ الرَّافِضِيَّةِ

بَرِئْتُ مِنَ الْمُهَيِّمِينَ مِنْ أَنْاسٍ يَرَوْنَ الرَّفْضَ حُبَّ الْفَاطِمِيَّةِ

ترجمه: هنگامی که در مجلسی از علی و فاطمه مقدس و حسن و حسین یاد می‌کنم، گفته می‌شود: ای قوم! از این سخنان در گذرید که این‌ها سخنان روافض اند. پناه می‌برم به خدای مهیمن از مردمی که رافضی بودن را فقط در محبت با فرزندان فاطمه می‌دانند (الشافعی، ۹۰).

اما عطار را می‌بینیم که در اشعار خود خاص به ویژگی‌های اخلاقی و اتفاقات تاریخی آنان می‌پردازد، همانطور که مشاهده کردید ذکر صفات و وقایع حضرت حسین علیه السلام گذشت، در ادامه به ذکر صفات و اتفاقات زندگی حضرت حسن علیه السلام از زبان عطار می‌پردازیم: عطار صفات باطنی و ظاهری حضرت حسن علیه السلام وصف می‌کند و او را عاشقانه دوست دارد- عطار در مصیبت نامه قصیده‌ای در نعت حضرت حسن علیه السلام دارد او را در ابتدا نور چشم حضرت پیامبر صلی الله علیه وسلم و حضرت علی علیه السلام می‌داند، عطار برای بیان زیبایی او از استعاره بهره می‌برد و سیاهی موی او را به سیاهی پر کلاغ تشبیه کرده و او را به خورشیدی تشبیه کرده که چشم و چراغ است و در آخر به شهادت جانگداز ایشان اشاره می‌کند که بوسیله زهر او را جام شهادت نوشاندند.

نور چشم مصطفی و مرتضی شمع جمع انبیاء و اولیا

جمع کرده حسن خلق و حسن ظن جمله افعال چون نامش حسن

روی او در گیسوی چون پر زاغ همچو خورشیدی همه چشم و چراغ

زهر شد زیر وبر افکند از زبر آن جگر گوشه پیمبر را جگر (نیشابوری، ۱۳۸۶)

عطار در جایی دیگر در مدح حسنین و نحوه‌ی شهادت هر کدام سخن میراند، و حضرت حسن علیه السلام را میر دین و حضرت حسین را پاک تن می‌گوید و هر دو را نور دیدگان حضرت فاطمه و حضرت علی علیهما السلام می‌داند که هر دو در میدان رزم از صد شیر شجاع تر هستند و جهان را از نور آنان پابرجا می‌بیند و در بیت بعدی از شهادت ناجوانمردانه حضرت حسین علیه السلام سخن می‌گوید که در خاک و خون آغشته شد. و شهادت مظلومانه‌ی حضرت حسین علیه السلام که با زهر جام شهادت را نوشید و این دو فرزند صالح و جگر گوشه‌های حضرت فاطمه و سرداران اهل بهشت هستند. عطار خطاب به خود هم می‌گوید که تو هم مثل آنها کشته‌ی همین راه شو تا به یار وصل شوی. و این مدح و سوز و گداز را چنین آغاز می‌کند:

چه گویم مدح میر دین حسن را دگر بار آن حسین پاک تن را

دو نور جوهر زهرا و حیدر بروز رزم هر یک صد غضنفر

دو شمع از پرتو خورشید اسرار جهان از نور ایشان شد پدیدار

یکی در خاک و خون آغشته گشته یکی در زهر جانش کشته گشته

نظام خطّه دنیا از ایشان نعیم جنت و نیران و رضوان

چو ایشان کشته شو عطار کم گو که پرگوئی ز میدان کم برد گوی

درین ره نه قدم در خون در آخر که گردد آن زمان آن یار ظاهر (نیشابوری، ۳۹۹۵)

فاطمه خاتون جنت

عطار در الهی نامه از حضرت فاطمه علیها السلام از نام خاتون جنت یاد میکند و در توصیف او میگوید که یکبار او پیش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم رفت و پدر و دختر در تنهایی با هم بودند، حضرت فاطمه خطاب به پدر گفت: پدر جان دستهایم از آسیاب کردن آبله شده اند از غنایمی که نزد تو آورده می شود به من کنیزکی بدهید تا در سخیهای کار منزل مرا کمک کند و درد و مشقت مرا کم کند. حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در عوض کنیزک به او تسبیحات فاطمی را آموخت و به وی گفت این تسبیحات از همه چیزهای دیگر برای بهتر است و حضرت فاطمه دستور و هدیه پدر را با طیب خاطر پذیرفت و از پیش پدر رفت به همین جهت است عطار این ابیات را بصورت تعلیمی برای دوستداران اهل بیت ما اینگونه می سراید:

فاطمه خاتون جنت ناگهی پیش سید رفت در خلوت گهی

گفت کرد از آس دستم آبله یک کنیزک از تو می خواهم صله

تا مرا از آس رنجی کم رسد تا کیم از آس چندین غم رسد

آس گردونم چو یک ارزن بود آس کردن خود چه کار من بود

وی عجب در پیش حیدر روزگار بود آن ساعت غنیمت بشمار

دست بگشاد و ببخشید آن همه هیچ نگذاشت از برای فاطمه

یک دعاش آموخت زیبا و عزیز گفت این بهتر تراز آن جمله چیز (نیشابوری، ۴۳۱۶)

و در آخر همانطور که امام شافعی میگوید؛ چون دیدم که مذاهب و اختلافات فقهی مردم را در دریای جهل و گمراهی کشانده و به نام خدا بر کشتی نجات که همان خاندان پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وسلم است، سوار شدم و ریسمان الهی را که همان دوستی و محبت آنان است گرفتم، همان گونه که خداوند ما را به تمسک به حبل الله فرمان داده است.

نتیجه گیری

از مباحث مطرح شده در این مقاله می توان به جایگاه رفیع اهل بیت در نظر امام شافعی و شیخ عطار نیشابوری پی برد. ضمن اینکه گوشه ای از اوصاف و خصوصیات آنان در اشعار این دو شخصیت مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت از عشق و ارادت آن ها به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خبر می دهد.

۱- هر دو شاعر در قصاید خود به مدح رسول خدا صلی الله علیه و آل و سلم پرداخته اند به طوریکه عطار پس از ذکر حمد و ستایش پروردگار، فضایل پیامبر صلی الله علیه و آل و سلم را مدح می کند و امام شافعی آل رسول خدا صلی الله علیه و آل و سلم را وسیله ذریعه رسیدن به رسول خدا و راه نجات اخروی در فردای قیامت می داند.

۲- امام شافعی محبت ویژه ای نسبت به اهل بیت داشته است. از تفاوت های بارز مدح اهل بیت در اشعار امام شافعی و عطار این است که امام شافعی به بیان ویژگی های تاریخی اهل بیت علیهم السلام چندان اشاره ای ندارد، و تمام سعی و تلاش کلی گویی های او در محبت اهل بیت براساس آیات و روایات است. اما عطار به مدح ویژگی های شخصی اهل بیت و وقایع تاریخی درمورد آن ها می پردازد و گاهی به آیات و روایات استناد می کند.

۳- امام شافعی و عطار هر دو در اشعاری که درمورد واقعه ی کربلا و سوز و گداز از مصائب آنجا دارند و هر دو به نحوی دین خود را با سرودن اشعاری نسبت به واقعه کربلا ادا کرده اند.

۴- از آنجایی که فرزندان حضرت فاطمه سلام الله علیها و حضرت علی (ع) سبب افتخار دین می باشند، امام شافعی و عطار با مدح این بزرگواران، برکت و روشنی را به آثار خود بخشیده اند.

منابع

- ابوزهره، محمد ۱۳۹۵، «تاریخ المذاهب الاسلامیه»، چاپ پنجم، کراچی.
- شرباصی، احمد ۱۳۸۶، «الائمه الاربعه»، ترجمه فارسی، ابراهیم محمود، انتشارات سنندج، کردستان.
- کاپودی، عبدالله، ۱۴۲۵، «شرح دیوان امام شافعی»، چاپ جامعه علوم القرآن، هند.
- نیشابوری، عطار، فرید الدین ۱۳۸۶، «مصیبت نامه (مقدمه و تصحیح شفیعی کدکنی)»، چاپ اول تهران.
- نیشابوری، عطار، فرید الدین ۱۳۵۹، «دیوان عطار حواشی درویشی»، چاپ دوم، بی جا، جاویدان.
- نیشابوری، عطار، فرید الدین ۱۳۸۸، «الهی نامه (مقدمه: فواد روحانی تصحیح: شفیعی کدکنی)»، چاپ پنجم، تهران سخن.
- نیشابوری، عطار، فرید الدین، ۱۳۵۶، «منطق الطیر»، مقدمه، حمیده حمید، چاپ اول، بی جا.
- نیشابوری، عطار، فرید الدین، «هیلاج نامه»، شماره ۳۹۹۵.
- موسوی هندی، میر حامد حسین، ۱۳۸۷، «خلاصه عبقات الانوار: حدیث أنا مدینه العلم، تلخیص علی حسینی، ترجمه محمد باقر محبوب القلوب ویرایش امیر مسعود جهان بین»، تهران.
- عبدالرحیم، ۲۰۰۰، «دیوان الإمام الشافعی»، دار الفکر.



القادری، صابر، «دیوان الإمام الشافعی»، اسلامی کتب خانہ.

کاپودروی، عبدالله، «شرح اردو دیوان الإمام الشافعی»، بی تا.

ابو زھرہ، محمد، «تاریخ المذاهب الاسلامیة»، مکتبۃ الشیخ.

A comparative study of the praise of the Ahl al-Bayt (peace be upon them) in the poems of Imam Shafi'i and Attar Neishabouri

Nusrat Dahani

Master student of Arabic literature, University of Sistan and Baluchistan, Faculty of Literature,
.Department of Arabic Language and Literature, Zahedan, Iran

Reza Rezaei

Associate Professor, Department of Arabic Language and Literature, Faculty of Literature,
.University of Sistan and Baluchistan, Zahedan, Iran

Abstract

Expressing love for the Ahl al-Bayt is one of the attributes of faith, which can be found in the form of praise and praise in the words of many mystics and poets in Arabic and Persian languages. Among the personalities named who have stepped well in this valley; Imam Shafi'i and Attar Neishabouri are those who, in the form of comprehensive and rich poems, have expressed the attributes and position of the Prophet's family among the Islamic Ummah. In this article, after a brief description of the biography of Imam Shafi' Sheikh Attar Neishabouri, while addressing some of these poems and compositions, with the aim of following the comparative literature in the words of these two noble characters, the similarities and differences in their poems should be discussed.

Keywords: Madh Ahl al-Bayt (peace be upon them), comparative literature, Imam Shafi'i, Attar Neishabouri.